



رسالهء اسْتَدْلَالِيَّه

در بیان حقیقت مرکز عهد و پیمان الهی

* تأیف *

مَنْ صَدَدَ إِلَى الرَّفِيقِ الْأَعُلَى عَلَامَةُ شَهِيرٌ

حضرت ابی الفضائل

علیه التحیۃ والمناء

* حقوق طبعش محفوظ است *

١٢٣٥

رسالة استدلاليه

دربيان حقيقت و رکز عهد و بيان الهمي

* نائب *

من صعد الى الرفق الأعلى علامه شهير

حضرت أبي الفضائل

عليه التحية والثناء

خادم حسنه
فائق

* حقوق طبع و محفوظ است *

Afnan Library Trust

This book is part of the original
Balyuzi Bequest

Session Number: 1230

﴿ مقدمة الناشر ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فِي الْبَدْءِ نَرْتَلُ آيَاتِ الْحَمْدِ وَالْتَّكْبِيرِ لِرَبِّنَا الْعَلِيِّ
الْأَعْلَى * وَتَرْتِيمُ بِأَنَّشِيدِ التَّقْدِيسِ وَالتَّنْزِيهِ لِلَّهِ فَاطِرِ
الْأَرْضِ وَرَافِعِ السَّمَاوَاتِ * وَنَقْوَمُ بِغَرِيبَةِ النَّسَاءِ وَالْتَّعْظِيمِ
وَالْتَّحْمِيَةِ وَالْتَّكْرِيمِ لِمَرْكَزِ الْعَهْدِ وَالْوَلَاءِ * الْفَرْعَ
الْكَرِيمُ * الْمُنْشَعِبُ مِنَ الْأَصْلِ الْقَدِيمِ * الْمُنْبَثِتُ مِنْ
إِرَادَةِ رَبِّ الْرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

وَبَعْدَ فَيْلِنَا كَنْتُ أَصْفَحُ مُحتَوِيَّاتِ مَجْمُوعَةِ مِنَ الْجَامِيعِ
الَّتِي جَمَعْتُهَا فِي عَنْفَوَانِ الْحَيَاةِ الْحَاوِيَةِ لِلرَّسَائِلِ الْأَهْلِيَّةِ
وَالْمَسَائِلِ الْرُّوحِيَّةِ وَالْمَطَالِبِ الْأَمْرِيَّةِ عَثَرْتُ عَلَى رِسَالَةٍ
نَفِيسَةٍ اسْتَدَلَالِيَّةٍ فَارِسِيَّةٍ فِي الْاسْتَدَالَالِ عَلَى حَقِيقَةِ مَرْكَزِ
الْعَهْدِ وَالْمَيْتَاقِ الْفَصْنِ الْأَعْظَمِ وَالسُّرِّ الْأَكْرَمِ * دُونَهَا يَرَاعِ
حَضْرَةُ مَنْ صَدَعَ إِلَى الرَّفِيقِ الْأَعْلَى الْعَالَمَةِ الشَّهِيرِ وَالرَّحَالَةِ



(عَالَمُ شَهِيرٌ مَرْحُومٌ حَنْرَثٌ أَبُو الْفَضَائِلِ)

الخطير والمورخ البارع الكبير أستاذى الجليل الشيخ
ابو الفضائل طيب الله ثراه * وجعل جنة الرضوان مثواه
ل احد احبائه * وقد استدل فيها قدس الله روحه من الكتب
الساواية ونقطات القلم الاعلى وفصول نصوص اليراع
الابهی على ذلك المطلب الشريف * فألقايتها رسالة جمة
الفوائد كبيرة المغزى عظيمة المبني مهمة الجدوى * جديرة
بنشرها بين افراد العالم الانسانى لما حوطه من الارشادات
المهمة في اجل مسألة * وكذلك عثرت على رسالة تقىيسة
صغرى الحجم عظيمة المغزى تشبه الرسالة الاولى في قوتها
البرهان ومتانة المبني للاستاذ المشار عليه * فرأيت انها جديرة
بالاحتفاظ بالرسالة الاولى لذلك قمت بطبعهما خدمة لبني
الانسان * لا سيما الاحباء الاعزاء وعلى الاخص الراغبين
في استطلاع الحقائق * واكتشاف ما تضمنه بطون الكتب
الاهلية من المكتنونات والدقائق * ادرجنا الله في سلك
الثابتين على الولاء والوفاء لمركز العهد والميثاق * انه سميع
الدعاء * ومجيب لنجوى الاحباء *

(وها هي الرسالة)

* بسم ربنا القدس الابهی *

روحى لحضرتك الفداء *

بعد حمد ربنا العلي الاعلى والاعتراف بوحدانية جماله
القدس الانور البهی الابهی * والتسبیحة والثناء على النیر
اللامع والنور الساطع من سماء عهده الوثيق الاسمى *

معروض ميدارم که اکر چه در آغاز ایام ورود بصر
در عریضه که خدمت اخضرت معروض داشت اشعاری
بقطع رشته مراسلت وسد ابواب مکاتبت نمود وعلم الله
سبب جزاین نبود که چون هنوز ان ایام غبار امتحان
انکیخته ونور با ظلمت آمیخته بود مباد باقتضای بشریت
غفلة وسهواً کله از قلم صادر شود که من بعد تدارک آن
صعبوت یابدتا آنکه بعنایت محبوبنا الابهی دیری نکذشت
که نور از ظلمت پدید آمد وطیب طینت از خبث طویت
امتیاز یافت * محق از مبطر جداشد وثبت از زائل
هویدا کشت * اصحاب یمین با نور مبین در ظل ظلیل
همایون فرع سدره رب العالمین آرمیدند * واصحاب
شمال در عین ضلال في ظل لا بارد ولا کریم خزیدند *

وکتاب ابرار را فاتحه نکارد شاید بعنایت جمال ابھی
در ظل همایون فرع سدره منتهی روح الوجود لرشحات
یراعته النداء نسیم وداد از هر سوبوزد واژهار اتحاد
از هر جهت بروید تا عالم جنت ابھی کردد و جهان فردوس
اعلی شود * انه وعد عباده الثابتین ان ینصرهم بجنود من الماء
الاعلی و قبلی من الملائکة المقربین *

یاسیدی الجلیل سیر حوادث بعد از غیبت حضرت
موعد و صعود جمال معبد از نوادر عجائب صنوف تمجیص
و تخلیص بود که هر کز افکار ثاقبه و عقول نیره کان آنرا
تغییم نمود * هر کز بخیال احدی خطور نیکردد که پس از
تنصیص جمال اقدس ابھی بر تعیین مرجع و ملاذ عباد خود
از مدعيان دوستی بل انتساب اینکونه مخالفت ظهور یابد *
و پس از نهی اکید از تأویل کتاب دجال بروجردی
بتأویلات بارده سخیفه تحریی نماید * و از نوادر مضحکه
بل از قضایای مدهشہ این است که با این فضاحت و قبحت
وسوء سریت و قبحت باز هم میخواهند بزور یاوه کوئی
و یاوه درائی و یهود نویسی و زارخانی سوأت قبیحه خود را
مستور دارند و بر احبابی الهی که بفراست نافذه وبصارت

شیطان از ملک دوری جست * و دیواز فلك رجم آمد *
انجذاب طبیعی هر یک از خبیث و طیب را بمرکز ملامت
خود راجع داشت * و حرکت جوهری هر یک از ردی
وجید را با ظهار ما هو کامن فی الصدور کاشت * موحدان
در ظل سدره وحدت آرمیدند * و منافقان مانند خار
سه پهلو در سایه ذی ثلث شب روئیدند *

وبالجمله اکر چه خوف از وقوع در فتنه نوعاً قدری
زوال یافت وهیئت جامعه امر را استقراری حاصل آمد
مع ذلك اشتغال بتأليف ورد على من رد كتاب الايقان
مانع آمد که ثانیاً رشته مراسلت را موصول دارد *
و دفتر مکاتبت را از سر کیرد * تا اینکه در آین اوقات
از ساحت اقدس اکرم امر مبرم شرف صدور یافت که
سلسله مخابرات را با ایادی امر الله مربوط دارد تا موجب
توثیق عروه محبت و تسدید روابط مودت فيما بین ثابتین
بر عهد حضرت احادیث کردد * لهذا این عبد لازم دانست
که نخست خدمت اخحضرت که انجمن ابرار را شمعی روشنند
و جمع اخیار را کنی متقن عریضه معروض دارد * و عهد
مودت قدیمه را تجدید نماید * دفتر تذکار را از سر کیرد *

کاشفه مؤیدند امر را مشتبه نمایند * غافل که این یوم عزیز
 یوم تبلی السرائر است * در این قرن مجید قرن بروز بواطن
 وضمائی غراب بعندلیب مشابه نکردد * وذباب در مطار
 عقاب طیران نماید * کذلک قضی الامر من لدن علیم حکیم
 یا سیدی الجلیل قسمًا بانوار وجه ربنا الابهی ویینا
 بتربته المقدسة التي عبتت فتحاتها بين الارض والسماء که
 اهل بها ومتمسکین بعهد حضرت مولی الوری بدوان
 ملکوت الله اکر هر موی زبانی شوند وبشکر این
 عنایتش ناطق کردند که ایشان را از نعیق اکبر حراست
 فرمود و در ظل ظلیل سدره مبارکه شهد مأوى عنایت
 نمود هر آینه از شکر این موهبت قاصر آیند * واز سپاس
 این عنایت عاجز باشند * چه در این ایام مکتوبی ملاحظه
 شد که دجال بر وجردی در عوالم استیلای افکار دیه
 و غلبه سود ای غیر طبیعیه نکاشته و با اسم جناب محبوب
 معظنم حاجی سید تقی بارض اقدس ارسال داشته که هر کز
 عوام اجانب اینکونه مطالب نشکارند بل او بیاش واراذل
 از تقوه باز رذائل عار دارند * هر عبارتش بر حماقت ان
 ناعق شاهدی ناطق است * وهر هضمونش بر جنون ان

۹
 مفتون کواهی صادق * مثلا از جمله اهل بهارا مخاطب
 داشته و بگان خود رایت استدلای افراشته * میکوید
 و هذه عبارته جلت حماقته :

(شما که خود را شیعه خالص میشماید واز فعل
 حضرت صادق در نصب و عزل و در مدح و ذم پسر بزرگ
 خود اسماعیل در بدو وختم آکاهی دارید با این وصف دیگر
 چه حق دارید که مخالفت این عبد را بعد از موافقت مایه
 وهن شمارید و اکر بر حقیقت و واقع امر و بر حکمت عالمیه
 حق آکاهی یا بیدکل شهادت دهید که مشنی این عبد بر اثر
 مشنی حق بوده انتهی)

درست ملاحظه فرماید که اکر نقسی از دود خم
 فقاہت فاسد الدماغ نباشد هر کز بنکارش این عبارت
 جسارت مینماید که بایستی احبابی الهی نص صریح کتاب
 اقدس را که بندای جها نکیر میفرماید * اذا غیض بحر
 الوصال و قضی کتاب المبدأ فی المآل توجھهوا الی من اراده الله
 الذی انشعب من هذلا اصل القديم * کان لم يكن
 انکارند و مرکز نفاق و نعاقرا در مخالفت مرکز میثاق و نیر
 آفاق معاف شمارند بدلیل اینکه در کتب تواریخ مسطور است

که صادق آل محمد علیه السلام نخست بوصایت فرزند اکبرش اسماعیل تنصیص فرمود و چون او قبل از پدر وفات یافت ویا برایتی پشرب مسکراقدام نمود انحضرت فرزند دیکرشن موسی را بوصایت منصوص داشت * زهی دلیل وزهی استدلال * لعمر محبو بنا الابهی که از این عبارت به نیکوئی توان مستفاد داشت که چه مایه دماغ کاتب از سودای فقاہت واندوه فوت ریاست فاسد شده ومهبط افکار ردیه ووساوی تقسانیه شیطانیه کشته * شمارا بخدا آیا تصدقی حضرت مولی الوری والنور الساطع من افق العلی که دوستان مرتضی قبل از ظهور نقطه اولی عن اسمه الاعلی بر صراط مستقیم سالک بودند هیچ مقتضی است که بایستی امروز اهل بها از نص صریح **(توجهوا الى من اراده الله)** معرض کردند * واژ ظل سدره میثاق خارج شوند * و در ظل لا بارد ولا کریم ناعق اکبر مستظل آیند * اکر صاحب قوانین که منتهی فخر این ناقض ناقص است زنده میشد واینکونه استدلال واستنباط را مشاهده مینمود هر آینه از فقه و فقاہت تبری میجست واز فروع و اصول مجانب مینمود و حفید خود را بخطاب

انی بریء منک انی اخاف الله رب العالمین مخاطب میداشت واستدلال این ناعق ناهق بعینه بدین میاند که یکی از یهود اهل اسلام را مخاطب داشته بکوید * که چون حضرت رسول علیه السلام بنی اسرائیل را قبل از ظهور مسیح موعود امت ناجیه خوانده و بایه مبارکه **(یا بنی اسرائیل اذ کروا لعمتی التي انعمت عليکم وانی فضلتم على العالمين)** مخاطب داشت شما اهل اسلام باید امروز از متابعت آمه هدی اجتناب ور زید و در ظل رب اکبر جناب خاخام باشی مستظل کردید * درست ملاحظه فرمائید که این مثال بر مسئله این دحال در غایت انطباق هست یانیست * قاتل الله الحسد والبغضاء * آیا بیان مبارک حضرت مولی الوری که مقدس از شیعه شنیعه منکرین نقطه اولی جل اسمه الاعلی است هیچ مقتضی است که بایستی دوستان الهی بمقتضای مذهب ائمی عشریه ترک مقام منصوص نمایند وبناعق منصوص توجه کنند ومخالفت امر مبرم الهی را سهل وآسان شمارند فلتعم ما قیل *

امور تضییح السفهاء منها * ویبکی من عواقبها اللبیب یا ایها السيد الادیب هر آینه در ا الواح مقدسه ملاحظه

فرموده اید که حق جل جلاله در مواضع کثیره بصراحت
بیان فرموده است که بشارات اینظهور اعظم در جمیع
صحف اولی از تورات و انجیل و قرآن و ما یتعلق بهای من
کتب الانبیاء و اخبار الاولیاء نازل شده * و عهد این یوم
عظیم و طلوع فیم را بلسان جمیع انبیاء و مرسیین از امام
مأخذ داشته * و جمیع اشراط و علامات و وقایع وجودات
آن در کتب قبل مفصل و مبسوطاً بصراحت وارد کشته
و هم در کتاب مقدس ایقان ملاحظه فرموده اید که جمال
قدم جل اسمه الاعظم در تفسیر کلمه مبارکه ﷺ حیند
ظلم الشمس والقمر لا يعطى ضوءه والكواكب تساقط
من السماء ﷺ فرموده اند که الفاظ شمس و قرآن و نجوم و سماء
در کلمات انبیاء بر معانی عدیده اطلاق یافته است * و در
رتبه اولی و مقام اول مقصود از شمس شموس حقیقت
واز قرآن اولیای آن حضرت است که چنانچه تربیت اشیاء
ظاهریه از نباتات و حیوانات و معادن منوط باشراق شمس
و قرآن ظاهیری است کذلک تربیت حقائق اشجار انسانیه
و افاضه ایثار روحانیه موکول بطلوع واشراق این شموس
واقار حقیقیه است * و در رتبه ثانیه مقصود از شمس

وقرآن و نجوم علمای ظهور قبلند در یوم ظهور بعد که اکر
باقبال و ایمان فائز شدند از شموس عالیه و انجم مضیئه
محسوب والا از شموس مظلمه و انجم ساقطه معدودند *
واز سجين ظاهر و بسجين هابط * و از حسبان طالع
و بحسبان راجع *

پس چون براین دو مقدمه که از صرحات قلم اعلی است
اطلاع حاصل آمد ملاحظه فرما در بشارات کتب مقدسه
که چکونه حق جل جلاله بر طلوع نیز ولایت پس از
غروب شمس حقیقت تصریح فرموده و عهد مرکز میثاق را
پس از عهد نیز آفاق از ام مأخذ داشته * و این عبد در این
صحیفه مختصره برخی از آنرا خدمت اولیای الهی معروض
میدارد تا سبیل ادراک آن بر ارباب مدارک عالیه سهل
و آسان کردد * از جله در مزمور ثانی زبور پس از ذکر
یوم الله و ظهور الله میفرماید *

﴿فالآن يا أيها الملوك تعقلوا ويأ قضاة الأرض تأدبو
اعبدوا رب بخوف واهتفوا ببردة * قبلوا ابن لئلا
يغضب فتبيدوا من الطريق لانه عن قليل يتقد خضبه
طوبی لجميع المتكلمين عليه ﷺ انتهى

یعنی ای پادشاهان اکنون بہوش آئید وای حکام زمین پندکرید خداوند را بخوف عبادت کنید و جند اورا بخشوع و خضوع بسرائید * و پسر را بیوسید مبادا که غضبناک شود و شما کمراه کردید چه نزدیک است که خشمش افروخته شود * خوشابحال کسانیکه براو توکل نمایند *

و در اصلاح چهارم کتاب اشعیای نبی میفرماید *
﴿فِي ذلِكَ الْيَوْمِ يَكُونُ غَصْنُ الرَّبِّ بَهَاءً وَمَجْدًا وَنُورُ الْأَرْضِ فَخْرًا وَزِينَةً لِلنَّاجِينَ ﴾ إِلَى آخِرِ كَلَامِهِ فِي ذَكْرِ يَوْمِ اللَّهِ وَكَذَلِكَ در آیه (۲۶) از اصلاح ثلثین از سفر اشعیای نبی پس از ذکر حوادث یوم الله میفرماید ﴿ وَيَكُونُ نُورُ الْقَمَرِ كَنُورُ الشَّمْسِ وَنُورُ الشَّمْسِ يَكُونُ سَبْعَةً أَضْعَافَ كَنُورِ سَبْعَةِ أَيَّامٍ فِي يَوْمِ يَحْبَرُ الرَّبُّ كَسْرٌ شَعْبَهُ وَلِشْفَى رَضْ ضَرْبَهُ ﴾ انتهى

یعنی در روزی که خداوند تبارک و تعالی شکستگی قوم خود را خواهد بست و کوفتگی ضرب ایشان را شفا عنایت خواهد فرمود نور ماه مانند نور آفتتاب خواهد بود و نور آفتتاب مانند نور هفت یوم هفت مرتبه افزون تر

از سابق خواهد کشت و این آیه سه بار که بغايت صراحت دلالت کند بر اينکه در يوم الله انوار فائضه از قر عهد و مرکز ميثاق مانند انوار فائضه از تير آفاق خواهد بود * و انوار ساطعه از نير آفاق بهفت مرتبه انور وابهی از ظهرات سابقه اشراق خواهد فرمود * فليت در المنصفون ولی فرح الملاصون ولی خسأ الدين هم على اعقابهم ناكسون *

و همچنان در اصلاح سیم کتاب زکریا میفرماید *
﴿إِسْمَعْ يَا يَهُوشَعَ الْكَاهِنَ الْعَظِيمَ أَنْتَ وَرْفَاقُكَ الْجَالِسُونَ امَامُكَ لَا نَهُمْ رِجَالٌ آيَةٌ لَانِي هَا إِنَّا ذَا آتَى بِعْدِي الغَصْنِ فَهُوَ ذَا الْحَجَرُ الَّذِي وَضَعْتُهُ قَدَامَ يَهُوشَعَ عَلَى حِجْرٍ وَاحِدٍ سَبْعَ أَعْيُنَ هَا إِنَّا ذَا نَاقَشَ نقشه يقول رب الجنود وازيل اسم تلك الأرض في يوم واحد﴾ انتهى

یعنی اينک بشنوای یهوشع امام بزرگ تو و جميع دوستانت که حضورت می نشينند چه اهل آيت و مردم کرامتند اينک منم که بنده خود غصن را ظاهر خواهی فرمود و او حجري است که برابر يشوع امام عظيم نهادم و بر حجر واحد عيون سبعه مقرر داشتم اينک نقشه

آنرا رسم خواهی فرمود و عصیان ارض مقدس را در یک
یوم محو خواهی نمود * و در این آیات اشارات دقیقه است
که اکنون مجال بیان آن بتفصیل نیست * اگر حق
چل جلاله توفیق عنایت فرماید در کتاب ابرار ترجمه
مفصل آن بنظر اختیار خواهد رسید *

وایضاً در اصلاح ششم همین کتاب زکریا * پس از ذکر
حوادث یوم الله میفرماید * وكلمه قائله هکذا قال رب
الجند هو هذا الرجل الغصن اسمه ومن مكانه ينبت ويبني
هيكل الرب فهو يبني هيكل الرب وهو يحمل الجلال
ويجلس ويسلط على كرسيه * الى آخر کلامه *

واین آیات کریمه و بشارات عظیمه در غایت صراحت است
که پس از غیبت رب همایون غصن حضرتش بر کرسی
مجد جالس خواهد شد * و فرع منشعب از اصل قدیم بر عرش
جلال مستولی خواهد کشت و هیكل رب یعنی مطاف
ملائک را بنا خواهد نمود وكلمه الهیه را بر مشارق
ومغارب نافذ و غالب خواهد فرمود * كذلك قضی الامر
من لدن حکیم عالم * و در انجیل مقدس ملاحظه فرماید
حضرت ابن روح الله النازل من السماء بصراحت در اصلاح

(۱۶) انجیل هتی میفرماید * ان ابن الانسان سوق یائی فی
مجده ایه مع ملائکته و حینئذ یجازی کل واحد حسب
عمله * و این بشارت صریح است که ظهور روح در ظل
ظهور رب خواهد بود و تحیی ابن در یوم طلوع مجدد اب
واقع خواهد شد * و اگر بصیری در جمیع رسائل رسول
و آیات کتاب رؤیا بدقت ملاحظه نمایدم بینند که در اکثر
مواضع که بظهور الله بشارت فرموده بشارت ظهور ابن را
نیزبان مقرن داشته * و اراضی مقدسه را باستقرار عرش
رب و عرش مسیح یعنی منصوص او تخصیص فرموده
بل بصراحت بظهور عهد و میثاق الهی تصریح و تخصیص
نموده است * مثلاً از جمله در اصلاح یازدهم کتاب رؤیا
یعنی سفر مکاشفات یوحنا پس از بشارت ظهور حضرت
رسول و حضرت امیر واعده هدی علیهم السلام و انتقامی
اجل اسلام در مدت یکهزار و دویست و شصت سال در آیه
(۱۵) میفرماید * و تفخیل الملك السابع فی صوره خدشت
اصوات عظیمة فی السماء قائلة قد صارت ممالك العالم لربنا
ومسیحه فسیملک الی ابد الابدین *
و هکذا تا اینکه در آیه (۱۹) میفرماید *

* وافتتح هيكل الله في السماء وظهر تابوت عهده في
هيكله وحدث بروق واصوات ورعد دوز لزلة وبرد عظيم *
ملاحظه فرماده در غایت صراحت بشارت میفرماید
که هيكل امر الله مفتوح خواهد شد وتابوت عهده که عبارت
از کتاب عهد و مرکز میثاق است آشکار خواهد کشت
ورعد و برق و اصوات و برد نقض و نکس و نفاق
و شقاق ظهور خواهد یافت و كذلك در اصلاح (۲۱) همین
کتاب رؤیا میفرماید *

* ثم رأيت سماءً جديدةً وارضاً جديدةً لأن السماء
الأولى والارض الاولى مضتاً * وهكذا حوادث يوم الله
واحدة بعد أخرى ذكر مينمايد تا انکه در آیه (۲۲) میفرماید
* ولم ار فيها هيكل لأن رب الاله القدير والحمل هم هيكلها
ومدينة لا تحتاج الى الشمس ولا الى القمر ليضيئا فيها
لأن مجده قد أغارها والحمل مصباحها * الى آخر الآيات
يعنى در آن مدینه جدیده هيکلی یعنی معبدی ندیدم زیرا
که پروردگار توانا وحمل معبد آن مدینه منوره خواهند
بود و آن مدینه محتاج بنور آفتاب و ماه نخواهد شد زیرا
که براء وجه الله آبرا روشن خواهد فرمود وحمل سراج

* وهاج آن مدینه خواهد شد *
وهمچنین در اصلاح (۲۰) همین کتاب رؤیا میفرماید
* وارانی نهراً صافیاً من ماء الحياة لاماً كالبلور خارجاً
من عرش الله والحمل *
يعني ونمود مرا نهري صاف وزلال از ماء حیات
در خشنده چون بلور که جاري بود از عرش خداوندو حمل *
وبرارباب نباخت پوشیده نیست که آمه نصاری واکابر
حوالین حضرت روح روح من ف الوجود فداراحکمة
بلغظ حمل تعییر میفرمودند واکر چه در آن ایام ظلمه بود
ورومنیان اهل ایمان را بین کلمه مجبور میداشت ولکن
بالاصل این لفظ را او لحضرت یحیی بن زکریا علیه السلام
بر احضرت اطلاع فرمود چنانچه در آیه (۲۹) از اصلاح
اول انجیل یوحنا مسطور است که * وفي الغد نظر یوحنا
یسوع مقبلاً اليه فقال هو ذا حمل الله الذي يرفع خطيئة
العالم * یعنی روز دیگر یحیی حضرت عیسی را دید که
بسی اوی آید فرمود اینک بر خداوند که کنایه خلق
جهان را رفع مینماید *
وابجمله نظر بان بیان مبارک اکابر رسول در رسائل خود

از انحضرت این لقب تعبیر مینمودند و ترجمه عربی آنرا در کتب عربیه بلفظ حمل و لفظ خروف مرقوم داشتند و معنی واحد است و مقصود واضح * واز این جمله که عرض شد ثابت و مبرهن میشود که در یوم ظهور رب مسیح و منصوص او نیز ظهور خواهد فرمود و ملا اعلی تلقاء دو عرش عظیم واقف خواهد شد * واز انوار دونیر مشرق که باسم شمس و قرآن مذکورند مستفیض و مستنیر خواهد کشت * و ذلك فضل الله يؤتیه من يشاء والله واسع عليم *

و در قرآن مجید و فرقان حمید که حاوی جمیع اشارات و علامات این یوم عظیم مهیب شدید است در سوره مبارکه الشمس میفرماید *

* والشمس وضحاها والقمر اذا تلها والنهر اذا جلاها * يعني قسم بافتاب حقیقت چون طلوع فرماید و قسم بقمر ولايت چون پس از وی طالع کردد و قسم بنهر یوم الله چون روشن و متجلی شود * و این آیه مبارکه نیز بصراحت دلالت نماید که در یوم عظیم نخست آفتاب جمال رب کریم طالع شود و چون باقتضای بشریت

آن نیر سعادت غارب شود ماه جهانتاب فرع منشعب از آن اصل قدیم طالع شود و عالمرا از ظلمت ضلالت و تاریکی اهواه مضله مظاهر شیطنت حفظ فرماید *

و خلاصه الكلام چون براین آیات مرقومه که بمنزله قطراتی چنداست از بحر بشارات کتب سماویه استحضار و اطلاع حاصل شد معروض میدارم که جمیع اهل بهاء واصحاب سفینه همراه خود بودند و دیدند و دانند که چون بامداد منیر یوم الله بد مید و حق متعال پرده از وجه بیمثال برگرفت و زلال حقایق از قلم مبارکش جریان یافت در کتاب مستطاب اقدس که در این ظهور مقدس کتابی از آن اعظم نیست بندای جهانکشا بنداء بلغت ال آفاق السماء عالمیان را بدین همایون خطاب مخاطب فرمود *

﴿ اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدأ فی المآل توجھوا الى من اراده الله الذى انشعب من هذا الاصل القديم ﴾ وهم در موقف دیگر در این استاب مستطاب بدین آسمانی خطاب اهل بهارا خصوصاً برجع و ما ب دلالت نمود قوله جل وعلا و تقدس اسمه في الآخرة والاولى ﴿ اذا طارت الورقاء عن ايک الثناء وقصدت المقصد الاقصى

الاخن ارجعوا ملا عرفتهم من الكتاب الى الفرع
المتشعب من هذا الاصل القويم *

جنت ابھی کتاب مستطاب عهد از قلم اغلى نازل شد *
وبر مقصود از کلمه مبارکه فرع منشعب که در کتاب اقدس
نزول يافته بود تصریح فرمود * وبر مرکز میثاق وولي
عهد مليک آفاق تنصیص نمود * باشد که باب شباهات
اصحاب متشابهات مسدود کردد * وحال سحر آئه ضلال
مقطوع شود * عهدی که حق جل جلاله در توراة وانجیل
وقرآن تأسیس فرموده بود از تطرق شیطان هوامحروس
ماند * ومیثاق که در صحف اولی بدان تنصیص نمود بود
از کید اخوان جفا واصحاب حسد وبغضاء مصنون آید *
ولکن یا حبیبی الاریب وسیدی الادیب چنانکه بودی
وملاحظه فرمودی پس از پرواز شاهبهاز اوچ ربویت
بعوال قدس غیبت و هویت جزای اعمال آئه ضلال رابران
داشت که بر این عهد قویم شبهه آرند و حسد وبغضاء یاجوج
یوج رابر این کاشت که در این سد سدید رخنه جویند که
شاید اهل هدایت را تضليل نمایند و مرکز عهدران تحويل
دهند * فاجتمعوا وتآمرروا وجلسوا وشاوروا واجعوا
کیدهم وتوازروا وتمسکوا بالوساوی ودسوا الدسائیں
فتظایرت تتب الشبهات وانتشرت صیحائیف المتشابهات

وبالجمله چون این دو نعمه ملکوتی وترانه لاھوتی
از ورقای بقا مسموع اهل بها شدد ها بیار مید وجانها
از این بشارت کبری مطمئن ومستبشر کردید * افتدہ
وقلوب اهل بها از این عنایت عظمی فردوس ابھی شد
والسنہ وارکان اصحاب سفینه همراه بدین سپاس کویا
کشت که منت خدیو اکرم وجها نخدای الخ را که در این
ظهور اتم وطلع اعظم مرجع و مآب عباد معلوم شد *
وملاذ وملجأ اهل سداد واضح و هویدا آشت * در غروب
آفتاب جهانتاب ظلمت ضلال استیلا نیابد * ودر غیبت
جمال احمدی رایت عمری تقدم نجوید * دیو خاتم سلیمانی
نرباید وشیطان جامه انسان در بر نماید * ولی چون حق
جل جلاله بر غرور اهل شرور خیر و آکاه بود و دائرة
شباهات ارباب متشابهات در علم مليک اسما وصفات اتساعی
غير متناهی داشت لذا در اواخر ایام که طیر بقاء اراده
طیران بعلم بالا نمود * وسلطان هدی فصد ممالک اخري
فرمود قبل از سکون حفيف سدره منتهی در کرد نسیم

فنبذهم احباء الله نبذ النواة وطرحوها الواحدهم النارية طرح
خرق المدناسات * فلما كي جوادهم وشاه جمالهم ووسم الله
على خرطومهم واتى على جرثومهم وأذل جليلهم واهان
خليلهم بکوا وولولوا وشكروا وعولوا وتسکوا بالمفتيات
واستعنوا بالمؤتفکات وغفلوا عما انذروا به من الآيات
وفاهم ان الله تعالى حكم في هذا الظهور الاعظم بخذلان
الشيطان وسقوط أهل العداون وتأخر النفي عن الايثبات
وتقديم النور على الظلمات فلا تقدم الرایة التیمیمة ولا تغلب
العساکر العدویة ولا تنجیح المقاصد الامومیة لان الحق يزهق
الباطل والثابت على العهد يمحو الزائل والحق يدوس المبطل
والانسان يغلب على الوحش الهائل * فنوع ذكر هذه
الفئة الخبيثة بتلاوة آية کریمة من آی الفرقان ونختتم تذکیرهم
بما نزل فيهم في سور القرآن * أني لهم الذکری وهم في
عمراتهم ساهون وفي طغيانهم لاهون * وهذه هي الآية
التي أنذروا بها وهم عنها غافلون ﴿الذین ینقضون عهـد اللـهـ
من بعد میثاقه ویقطعون ما أـمـرـهـ اللهـ بهـ أـنـ یـوـصـلـ وـیـسـدـونـ
فـیـ الـارـضـ اوـلـئـکـ هـمـ الـخـاسـرـونـ﴾

أَعْجَبَ مِنْ خَصَامِكَ لِي وَجْدِيَ * رَسُولُ اللَّهِ يُوسِعُ مِنْكَ سَبَا
وَمِنْ رَجْمِ السَّمَاءِ فَلَا عَجَيبٌ * يَقَالُ حَتَّا بُوْجَهَ الْبَدْرِ تَرْبَا
فَكَيْفَ وَانْتَ أَعْمَى عَنْ مَقَالِيَ * وَلَوْ عَائِنْتَهُ لِرَأْيِتْ شَهْبَا
فَانَّكَ أَنْ هَجَوتْ هَجَوتْ لَيْثَاً * وَانِي أَنْ هَجَوتْ هَجَوتْ كَلْبَا
بَارِي زَيَادَه جَسَارَتْ شَدَ وَازْ شَدَتْ تَأْثِيرَ درَائِنْ مَقَامَ
ذَكَرَ اينَ ابياتَ شَدَ * وَالْعَدْرَ عَنْدَ كَرَامَ النَّاسِ مَقْبُولَ * زَيَادَه
چَه عَرْضَ شَوْدَ پَيَوْسَتَه نَضْرَه نَعِيمَ ازْ وَجَهَ كَرِيمَ آنَ سَيدَ
خَمَ مَشْرَقَ وَبَاهَرَ بَادَ *

در یوم ۲۳ شهر ربیع سنه ۱۳۱۷ حقیر ابو الفضل
از قاهره مصر معروض داشت *

* تمت الرسالة الأولى *



* وهذه هي الرسالة الثانية *

* بِسْمِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ *

روحى لحضرتك الفداء رقيمه شريفه مؤرخه (۲۲) رب
الحضرت كه حاوی حوادث عجیبه بود زیارت شد و از وقائع
انحدود حیرت لا بل حسرت وزجرت حاصل کشت *
اسأل الله تبارك وتعالى أن يحفظ عباده من الزلة والغواية
وعن زيف القلوب بعد البصارة والهدایة وأن يجعلنا من
الذين آتوا إلى كهف امره المطین واستضاؤا من نبراس کتابه
المبين انه هو ولی عباده الحاضرين *

يا سیدی الجلیل حوادث مدهشه این ایام موجب
سکون و سکوت قلم وزبان ارباب کتابت و خطابت آشته
و ظهور آراء عجیبه علت اضطراب و توحش قلوب صافیه
مطمئنه شده است * فدوی در آغاز ایام صعود که انکشت
قدرت کتاب تکوینرا ورق زد ولسان عظمت آیات فراق
بر ارباب میثاق تلاوت فرمود چون تقرس اختلافی
در اعضاء متیحده امر نمود باب مراسات بلکه مغالطت را

بقدر مقدور با کل مسدود داشت * و بديل تفرد و انقطاع
متمسك شد که مبادا نظر بعض فوای بشریه خطانی
صادر شود و موجب اختلاف کله احباب کردد و نتیجه اش
در دفتر خلود مخلد و مؤبد عاند *

يا سيدى الجليل حق جل جلاله فرموده است کذشته
آينه آينده است نقشه اعمال سابقين در دست است و خارطه
اختلافات ام ماضيه در نظر چکونه دلي باشد از سنك
ساخت تر و بصرى از بصارت خالي که بر مفاسد اختلافات
امم آکاه باشد واز موجبات اختلاف اجتناب نماید *
﴿ ولا تكونوا من المشركين من الدين فرقوا دينهم و كانوا
شيعاً كل حزب بما لديهم فرحو﴾ واعجب از همه این است
که حق جل جلاله در کتاب مستطاب عهد که آخرین
كتابي است که بقلم اعلى مرقوم فرمود و جميع مناهج
فلاح ونجاحرا در آن مبين و معلوم داشت بيانرا در نهري
از اختلاف مؤکد فرمود و در دوموقع عبادرا از اختلاف
آراء و تشتت اهواه منع نمود باشد که قلوب قاسيه انتباه
يابد واز سيل بوار ودمار کناره کيرد * فليحذر الدين
يخلالفون عن امره آن تصييدهم فتنه او يصييدهم عذاب اليم *

يا سيدى الجليل * تقریباً از سه هزار و پانصد سال
پیش که میتوان از تاریخ چیزی مستفاد داشت در هر قرن
حق جل جلاله بنداي جهانگیر عالمان را اعلام فرمود که
(یوم الله) فرار سد و آفتاب حقیقت طلوع فرماید و دور
اوہام طی شود و ظلمت اختلاف از عالم زدوده کردد
جهان بر دین واحد و کله واحده استقرار یابد * و انوار
علوم و تقدمات فنوز عالم را منور و متمدن کرداند احقاد
مکنونه در صدور احزاب بمحبت و وداد تبدیل شود
جنک و جدال از عالم برافتد بلکه آلات حرب بادوات
کسب مبدل کردد * دور ارباب ظلم منقضی شود وزمام
امور در کف اهل عدل و احسان آید (و خلاصه القول)
جهان آرایش نوکيرد و کي-تی از نور رب منور شود و عالم
جنت ابهی کردد * و نسیم حیات ابدیه بر عالم بوزد و عظام
رمیمه نشأه بدیعه پذیرد معنی (وتری الارض غیرالارض)
ظاهر شود و تفسیر (والامر يومئذ الله) باهر آید *
(یارب جهات امکان لبریز خرمی باد *
زاین نفعه مقدس زاین نشأه معظم)
واکر چه بشواهد کشیره توان در یافت که در این

لیل مدهم مجھول الابتدا پیوسته مردان خداطلب هدی را
بیشارات مذکوره حوشدل و امید وار میداشتند و عقل
منور نیز تصدیق فرماید که اکر عالم رتبه بلوغ نیابد
کتاب تکوین دفتر اپتر باشد و شجره خلقت شاخ ببر
و اتفاق ممل بر انتظار حشر عظمی و قیامت کبری در این
مسئله شاهدی امین است و بر هانی متین * لکن بر حسب
شهادت کتب موجوده نخست کسی که صفحات الواح را
باین بشارت مزین فرمود سید عظیم حضرت کلیم بود
و پس از وی هر یک از انبیاء بنی اسرائیل قرنًا بعد قرن
قوم را بد این بشارت یاد آوری فرمودند تا آنکه بارقه
روح القدس از اراضی مقدسه بدرخشید و ترانه بدیع
انجیل بقرب ورود این یوم جلیل بلند آوازه شد * و کلمه
مقدسه (توبوا فقد اقترب ملکوت الله) از لسان مبارک
آندو شهید کوی دوست یحیی و عیسی مسموع جهانیان
کشت وارض معارف بر این محور ششصد بیست و دو سال
کردش نمود تا آنکه سپیدی صباح از جانب بطحاء بدمید
و علامت انقضاضه لیل الیل ظهور یافت * واعظم اشراط یوم
جزا خاتم انبیا عليه و آله آلاف التحية والثناء قیام فرمود

وندای * (اتی امر الله فلا تستعجلوه) * ارتقاء یافت
وصیحه * (اقترب للناس حسابهم و هم في غفلة معروضون) *
مسموع ممل کشت * و قلوب طلاب هدایت بیشارات قرب
ورود یوم موعد و ظهور طلعت محمود امید وار کردید
صفحات کتب از بشارات و علامات مملوکشت * و عالم
بر این امید یکهزار و دویست و شصت سال همی کردید
تا انکه آن نجم دری الهی از افق فارس متلاً شد *
وروشنی صبح صادق آشکار کشت * وندای جانفزای *
(بشری بشری صبح الهدی تنفس) آفاقرا پر کرد * و بحکم
تحدید صریح اخضرت (بریک واحد) قلوب ارباب درایت
بقرب طلوع آفتاب حقیقت اطمینان یافت * در این حال
یا حبیبی و سیدی چنانکه بودی و دیدی و دانی (یوم الله)
(ویوم الملکوت) فرار سید و حق جلاله پرده ازوجه
بیمثال بر کرفت * و انوار وجهه منیرش آفاق را روشن و منور
فرمود * وزلال حقایق از قلم مبارکش جریان یافت * و مائدۀ
سماویه که جمیع ممل بر آن جمع تو اندشد بگسترد و سر اپرده
توحید و یکانی حقيقة را مرتفع فرمود * و شریعت مقدسه
که اصلاح عالم ورفع اختلافات امم چزبدان معقول

ومتصور نیست تشریع نمود * و در انجام (كتاب مستطاب بهدرا) که جامع جمیع شرائط نجاح و فلاح است مرقوم داشت * و جمیع را بحسب اغصان سدره مبارک و افنان شجره طیبه و حفظ مقام ملوك و امراء و احترام ارباب فضل و عالما اصر فرمود * واز سب وشم و جنک وجداول و تفرق و اختلاف نهی نمود وزمام اصر را بکف کفايت حضرت غصننه الاعظم و فرعه الاقدس الاقيم مولی الورى والنور الساطع من أفق العلي نور الله بحبه و ولائه قلوب اولي النهي بسپرد وكل را باطاعت وتوجه بوجه منيرش مأمور داشت و دفتر لقارا فرو پیچید و باافق اعلى صعود فرمود (و تمت کلمة ربک صدقًا و عدلاً امبدل لکلمات و هو السميع العليم)

فكان بعده ابناء و هنسبة * لو كنت شاهدها لم تكن اخطبها
یاسیدی الجلیل از این مقدمه توان در یافت که امری
بداین عظمت که معنی نبوت اخبار از او است و مقصود
از شرائع تقریب خاق بداؤ و جمیع انبیا و رسول ماشراو
نقشه تشریع و انتشار و صدور و ظهور آثار او از لای
علم الله مؤسس و مقدر بوده است * و تخطی از دائرة چنین

امری در قوه اکابر نیست تاچه رسد بأساغر والبته
مؤید است بوجوادت راسخه و منصور است بقوت قويه
وابداً اهواه مضله موجب وهن آن نتواند شد و اختلاف
آراء سبب اختلال آن نتواند کشت * و این است مقصود
از کلمه مبارکه ﴿يَا اغصانی در وجود قوت عظیمه وقدرت
کامله مکنون و مستور با وجهت اتحاد او ناظر باشید
نه با اختلافات ظاهره ازاو﴾

یاسیدی الجلیل چون دواعی اختلاف آراء در آغاز
هر اصر خطیری مقرر است خاصه اکر حب ریاست موجب
استهواه اصحاب جهله مرکب شود و قساوت قلب و مروق
از سیل مستقیم ورع بدان منضم کردد لذا حق جل جلاله
ظلم اعداء و مظلومیت وعدم سلطنه احبا و فقدان ثروت
و تعیم فقر و مسکنن را که اعظم اسباب اضمحلال دواعی
نقسانیه است برای دفع طواری اختلاف و احمد نار
اعتساف حاجزی متین و سدی رصین مقرر داشت * ملاحظه
فرما که آن نفسی که بغیر اذن الله میکوید من موسی هستم
اکر زوابع هائله قهاریت اعدا نبودی و ثروت و مسکن
طائله بدان منضم کشتی چه میکفت و چه میکرد

(۳)

بلى يا حبيبي بروز دعاء عجيبة وظهور حوداث غريبه
 (در يوم الله) در كتب سماويه منصوص است ولكن زوال
 واضمحلال آن نيز در همان كتب مسطور است ومذكور
 دل خوش دار وبحيل صبر متمسك باش که امواج هائله
 اين بحر آشفته ييلک لطمه هزاران از اين نقوس خياليه
 وتصورات وهميه را محو وزايل نماید* حق جل جلاله شارع
 اين امر اعزّ اعلى است و او عن اسمه مراقب و ناظر از منظر
 ابهی * زود باشد که افکار واوهام باطله زائل شود کله
 حق ثابت واستوار آيد و معنی * و خشعت الا صوات
 للرحمٰن فَلَا تَسْمِعُ إِلَّا هُمْۚ ظاهر و هويدا کردد
 افزون چه نکارم پيوسته نضره نعم از وجه
 کريمت لامع باد * در يوم ١٤ شهر شعبان
 سنة ١٣١٤ در قاهره مصر اقل عباد
 ابو الفضل معروض داشت

الحمد لله بعون و عنایت من طاف حوله الاسماء این
 دو رساله غراء بسعی فانی محي الدين کردی کائیمشکانی
 در مصر بزیور طبع رسید وذلك في ٢٩ صفر سنة ١٣٢٩